

جمهوری اسلامی را چگونه باید انداخت؟

کوروش مدرسی



صفحه ۲

قدم های بعد!

چه کسانی هستند یا بهتر است برسیم چه کسانی نیستند؟ مطالبه مردم در اعتراضات اخیر چیست؟ به مشاهده جالبی میرسید. نه بخشی از دو جناح در میان است و نه کسی دربار خاتمی حرفی میزند. کسی از پیش رفتن و رفتن "اصلاحات" اصلا شکایتی ندارد، این مسئله کسی نیست. کاراکترهایی بودند که قبلا در اعتراضات مردم حضور بهم میرسیدند

بعی کدامند؟ قبل از اینکه به اینها برسیم ابتدا باید ببینیم کجا هستیم. تشخیص این "کجائی" در پاسخ ما نقش تعیین کننده دارد.

روند آخر

این شاید گویاترین عنوان برای دوره کنونی باشد. برای روشن کردن این عنوان از خودتان پرسید شخصیت‌های سیاسی صف جلو اعتراض این دوره

دیگر همه دارند از یک انقلاب در ایران حرف میزنند. تردیدی نباید کرد که وارد مرحله‌ای تازه یا دوره جدیدی در کشمکش مردم با جمهوری اسلامی شدیم و سوالی که طبیعتا در مقابل قرار میگیرد این است که چگونه باید این دوره را با کمترین درد و با سریعترین شیوه طی کرد؟ مقاومت جمهوری اسلامی را چگونه باید درهم ریخت و قدم یا قدمهای



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

حمید تقوائی

زنده باد انقلاب!



و باید آنرا ساخت. و انقلاب از معهود فرصت های تاریخی است که به توده مردم امکان میدهد آینده را آنطور که میخواهند و آرزو دارند بسازند.

یک ویژگی دوره تازه اوجگیری مبارزات اینست که مستقیما و صریحا جمهوری اسلامی را هدف قرار داده است. مبارزات به سیاق

صفحه ۳

انقلاب فرامیرسد. مبارزات وسیعی که از یکپهفته پیش با اعتراض دانشجویان آغاز شد و اکنون ده ها شهر را در بر گرفته میتواند به یک انقلاب تمام عیار و پیروزمند علیه نظام جمهوری اسلامی منجر شود. میتواند، اگر مردم، کارگران، زنان و جوانانی که منتهاست چنین روزهایی را انتظار میکشیدند، قدرت خود را دریابند و آنرا بکار بگیرند. آینده را نمیشود پیش بینی کرد، اما میتوان



بچه های محل باید متشکل شوند

مصاحبه با بهرام مدرسی

صفحه ۵

پیام آذر ماجدی،

رئیس سازمان آزادی زن

به زنان آزادیخواه و قهرمان ایران!

صفحه ۳



جنگ آخر

اصغر کریمی



در دوره های غلیان سیاسی که مردم بیدار میشوند و برای بدست گرفتن سرنوشت خویش بحرت درمیایند، سیاست به معنی واقعی کلمه توسط

های مزدور و نان به نرخ روز خور با "ناباوری" هر روز متوجه اتفاقات تازه میشوند، آنچه سالها علیه اش شانتاژ کرده اند به بایگانی سپرده میشود و تمهای جدید جا باز میکند. جامعه ایران از این نظر درسهای زیبا و آموزنده ای دارد.

صفحه ۴

جنبش برچیدن بساط رژیم اسلامی در محلات را گسترش دهیم!

صفحه ۶

شکست نخوردگان به میدان آمده‌اند

صفحه ۷

دستگیری نیروهای سازمان مجاهدین خلق در فرانسه محکوم است! صفحه ۷

کمپین حمایت از

جنبش سرنگونی در ایران

صفحه ۶

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۶۴

۳۰ خرداد ۱۳۸۲

۲۰ ژوئن ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جمهوری اسلامی را چگونه باید انداخت؟

و کله مردم را با موعظه‌هایشان در مورد اصلاحات اسلامی میبردند و هرکس بوی سرنگونی جمهوری اسلامی میداد را لعن و نفرین میکردند.

میدانید صحبت در باره چه کسانی است، کنفرانس برلین را مجسم کنید. یک طرف که ما و مردم آزادیخواه بودیم هنوز هستیم و حاملان هم بهتر است. طرف مقابل، لشکر دو

خردادی‌های با عمامه و بی عمامه و با ریش و بی ریش کجا هستند؟ راستش اصلا حالشان خوب نیست. غیب شدند. ذوب شدند. رفتند. چهره بارز اعتراضات اخیر فقدان کامل

چهره‌های دو خردادی است. اینها در کشمکش امروز مردم با جمهوری اسلامی، حتی در پیاده‌رو و بعنوان

تماشاچی حضور ندارند. دو خرداد با همه لشکر آخوند، پاسدار-پروفیسور، پاسدار-فیلسوف، پاسدار-روشنفکر و تودهای و اکثریتی و تحکیم وحدتی و غیره انگار اصلا از اول وجود نداشتند.

بجای آنها مردم و جوانان سرنگونی خواه و اپوزیسیون سرنگونی طلب را میبینید که در جلو صف هستند.

شخصیت‌ها و چهره‌های جلو صحنه اعتراضات مردم در ایران دیگر همه کنفرانس برلینی هستند. ایران کنفرانس برلینی شده. اما این همه تصویر نیست.

از خردتان پرسید مردم خواستشان را در قالب چه مطالبی بیان میکنند؟ آزادی فلان روزنامه دو خردادی؟ مطالبه قاطعیت از خاتمی؟ اعتراض به تند

روی جناح راست؟ هیچ کلام! مردم میخواهند جمهوری اسلامی برود. به همین سادگی. سرنگونی جمهوری اسلامی دیگر خواستی نیست که مردم امروز آنرا از طریق دامن زدن به

تفرقه در صفوف رژیم و یا با استفاده از پوشش دو خردادی‌ها بخواهند جلو ببرند. خواست سرنگونی جمهوری اسلامی دیگر خواستی نیست که باید آنرا با

تحلیل نشان داد و حزب کمونیست کارگری مجبور باشد به کله روشنفکران دو خردادی فرو کند. مرگ بر جمهوری اسلامی به خواست امروز و در خیابان

تبدیل شده است. خواست مردم، نه تحلیلا، بلکه تحقیقا، سرنگونی جمهوری اسلامی است و اصلاح‌طلبان اسلامی جانی در آن ندارند. به عبارت دیگر اعتراضی که امروز به خیابان کشیده شده نقطه

توافقی با جمهوری اسلامی ندارد. اگر میشد فلان اعتراض دانشجویان را با یک عقب نشینی یا دادن امتیازی خواباند، اعتراض امروز جز با رفتن

جمهوری اسلامی به خواستش نمیرسد. منزلگاه از نقطه توقفی در میان راه وجود ندارد. دو صف در مقابل هم ایستاده‌اند: مردم و جمهوری اسلامی. یکی باید بماند و یکی برود. یا باید

برد؟ قدم‌های لازم برای بالابردن قابلیت صفوف مردم و عقب راندن جمهوری اسلامی چیست؟

قدرت جمهوری اسلامی و اوباش سرکوبگر آن در قابلیت دستگاه دولت آن نیست در پراکندگی مردم است. این

را از هرکس پرسید بشما خواهد گفت. اما سوال این است که مردم را چگونه باید متحد کرد؟ کلمه اتحاد وردی

نیست که بخوانیم و به اطراف فوت کنیم تا مردم متحد شوند. اول مردم دور یک پرچم، یک شعار و خواست

همگانی متحد میشوند. ثانیا اتحاد مردم باید یک شکل سازمانی هم پیدا کند. اتحاد بدون سازمان معنی ندارد.

و مردم در خانه خودشان متحد نمیشوند. سوال این میشود که مردم را حول چه پرچمی میشود متحد کرد و قدم‌های عملی برای سازمان‌یابی مردم چیست؟

اینها سوالاتی است که من به نوبه خود به آنها خواهم پرداخت.

"مرگ بر جمهوری اسلامی، آزادی - برابری" شعار اتحاد

مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی به خیابان آمده‌اند و باید حول همین متحد شوند. کسی که تازه میخواهد

رفراندم در مورد جمهوری اسلامی را به مردم بقبولاند یا دو خردادی رنگ عوض کرده است که میخواهد، موقتا

هم که شده، برای جمهوری اسلامی فرصت بخرد و یا اقتدر از مردمی که

جمهوری اسلامی را سرنگون کرده میترسد که حاضر است فعلا به جمهوری اسلامی فرصت تجدید قوا بدهد تا بعدا

از بالا کاری بکند. کسی که ریگی به کفش ندارد امروز همراه مردم بر

پیشانی خود خواهد نوشت "آزادی - برابری" و شعار خواهد داد "مرگ بر جمهوری اسلامی". مردم را حول آنچه

که میخواهند میتوان متحد کرد. شعار متحد کننده مردم بیان تعمیم یافته آنچه‌ی است که میخواهند.

مردم در این مقطع شعار تعمیم یافته را بدست دادند. "آزادی - برابری" و "مرگ بر جمهوری اسلامی". روشن است که هم مردم مطالبات بسیار

بیشتری دارند و هم احزاب و جریانات سیاسی (از جمله حزب ما)، از زاویه جنبش خود، شعارها و تبیین‌های روشنتر و جهندارتری دارند و حتما از

تبلیغ و ترویج ایده‌های خود کم نخواهند گذاشت. اما نکته این است که شعارهای "آزادی - برابری" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" هسته اساسی آرزو و خواست مردم را منعکس میکند و اجازه میدهد که رادیکالیسم انسانی و سیاسی‌ای که جنبش اعتراضی علیه جمهوری اسلامی نهفته است به محور

"مرگ بر جمهوری اسلامی" شعار هر اجتماع و تظاهرات باشد.

محللات را باید از کنترل جمهوری اسلامی دور آورد

متحد شدن مردم در خلاء انجام نمیشود. جمهوری اسلامی به کنار، هیچ دولتی فرصت نمیدهد که مردم

راحت برای سرنگون کردنش دور هم جمع شوند و نیرویشان برای رودررویی با

این دولت آرایش بدهند. بناچار باید در حین مبارزه متحد شد، باید همراه با

متحد شدن و برای تسهیل متحد شدن جمهوری اسلامی را عقب زد. باید اعتماد بنفس بیشتری را در تعداد هرچه

بیشتری از مردم بوجود آورد باید صف متحد را وسیع کرد. یکی از راههایی

که امروز فوراً میتوان عملی شود، و شواهد نشان میدهد دارد عملی میشود، در آوردن کنترل محللات مسکونی از

دست جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی ممکن است بتواند دانشگاهها،

مدارس و خوابگاهها را ببندد. جمهوری اسلامی حتی ممکن است حکومت

نظامی اعلام کند و بسیاری مراکز کار را ببندد. اما قادر به "بستن" یا "تعطیل"

محللات مسکونی و کارخانه‌های حیاتی نیست. در این بخش به محللات مسکونی

میسر ازیم و در بخش بعد در مورد کارخانها و محیط‌های کار صحبت خواهیم کرد.

محللات مسکونی را میشود و باید از کنترل جمهوری اسلامی خارج کرد. پروسه سرنگون کردن جمهوری

اسلامی و استقرار حاکمیت مستقیم مردم را از همینجا میشود و باید

شروع کرد. در محله‌ای که جمهوری اسلامی ریشهای ندارد، این شامل

بخش اعظم محللات مسکونی میشود، باید قوانین جمهوری اسلامی غیر قابل اجرا شوند و حضور اوباش اسلامی

بسادگی و در تعداد کم ناممکن شود. روشن است که در شرایطی که هنوز جمهوری اسلامی سرکار است جزیره آزادی را در یک محل مسکونی

نمیشود ساخت. اما از جزیره آزادی تا وضعیت امروز انواع و اشکال تناسب

قوای مختلفی را میشود تصور کرد. همین امروز ساکنین هر محل در اشکال مختلف به هم گره خورده اند.

"بچه‌ها" یعنی دخترها و پسرهای محل هم اکنون یک کانون مهم مبارزاتی و

اعتراضی به جمهوری اسلامی هستند. این رابطه باید شکل آگاتر و سازمان

یافته تری بیابد. باید به تدریج محل را از زیر کنترل جمهوری اسلامی خارج کرد. در محلاتی که ما قوی هستیم

باید آپارتمان‌های جنسی عملا منسوخ شود، باید کسی نباشد قوانین اسلامی را اجرا کند. باید بشود در آن محل

آخرین ویدئوهای فیلم و موزیک و بهترین کتابها و نشریات را گیر آورد،

باید در آن محل بشود اجتماع کرد، باید دارو دست‌های اسلامی تھی از منکر و گل‌های حزب‌الله و انصارالله

توانند بند شوند یا بمانند. باید در آن محل بشود جمع شد، نقشه تظاهرات را کشید، شعارها را تعیین کرد، به آن

محل عقب نشست، با محللات دیگر هماهنگی کرد و ...

بهرترین شکل البته شوراهای محل هستند. اما این ممکن است فوراً عملی نباشد. باید از تشکل‌های

امروز که موجود هستند شروع کرد. از تیم ورزشی تا گروه هنری و از فلان

پاتوق تا گروه بچه‌های کمونیست و آزادیخواه محل میتوانند شروع خوبی

باشند. مهم این است که در هر جا از چیزی که داریم شروع کنیم. شبکه‌های

جوانان و این روزها ارتباط نزدیک مردم حول اعتراضات خیابانی یک

واقعیت موجود است که باید مبنا قرار گیرد. گفتم اخبار حاکی از آن است

که این جریان در حال شکل‌گیری است. باید به آن خصلت آگاهانه و نقشه مندر و سرعت بیشتری داد. خارج کردن هر محله از کنترل جمهوری اسلامی پروسه و محمل متحد کردن مردم است و هر محله به هر اندازه که

از کنترل جمهوری اسلامی خارج شده باشد به همان اندازه به کانون و سنگری تبدیل میشود که دیگر جمهوری اسلامی قادر به تصرف آن بسادگی نخواهد شد.

ادامه دارد

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

تلویزیون انترناسیونال

یکشنبه‌ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر

تکرار: جمعه‌ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر

بوقت تهران

در شبکه تلویزیونی کانال یک

تلویزیون انترناسیونال روی شبکه اینترنت:

www.wpiran.org/TV

از صفحه ۱

زنده باد انقلاب!

گذشته از دانشگاهها شروع شد اما بر خلاف دوره های قبل، هیچ توهمی به هیچ بخش و جناحی از رژیم ندارد، و از همان آغاز با شعار صریح و روشن "مرگ بر جمهوری اسلامی" قدم بمیدان گذاشته است. همه چیز نشاندهنده آنست که مردم، بویژه دانشجویان و زنان که نقش اساسی در اعتراضات هفته اخیر داشته اند، کمترین توهم و امیدیه به بالائی ها ندارند. در دوره های قبل، حتی در خیزش ۱۸ تیر چنین نبود و هنوز در میان مردم و بخش هایی از جنبش دانشجویی خط دو خرداد و توهم به "اصلاحات" وجود داشت و نقش مخربی ایفا میکرد. امروز این مانع کاملا کنار رفته شده است. مردم میدانند باید تنها بقدرت خود متکی شوند و درهم کوبیدن اختناق و رسیدن به آزادی امری خود آنهاست. این یک گام اساسی بجلوست که باید بر مبنای آن و به کمک آن، موانعی که بیشک در گامهای بعدی در مقابل ما قد علم میکنند را از پیش پا جارو کرد.

انقلاب: قدرت نفی کننده مردم

"قدرت مردم"، این کلید اصلی در درک وضع موجود و ارتقای آن به سطح یک انقلاب پیروزمند است. معمولا انقلاب را با شورش و خیزش و اعتصابات و تظاهرات توده ای و اعمال قهر و اشکال مبارزاتی از این قبیل تصویر میکنند. اما هیچیک از این خصوصیات جوهر و خصلت انقلاب را بیان نمیکند. قبل از همه اینها و فراتر از اینها انقلاب اعمال اراده مستقیم مردم است. انقلاب، "نه بزرگ و کوبنده مردم به وضع موجود و نقد عملی و اجتماعی دولت و نظام حکومتی با قدرت مردم است. مردم به خیابان میآیند تا رژیم و نظامی را که نمیخواهند واژگون کنند. قدرت مردم قبل از هر چیز خود را در همین واقعیت نشان میدهد. مردم به وضعیت موجود نه میگویند و برای تغییر آن بمیدان میآیند. این "نه" هر اندازه رادیکال تر و ریشه ای تر و عمیق تر باشد، مردم نقش و قدرت بیشتری در شکل دادن به اوضاع خواهند داشت، و نهایتا پیروزی مردم تضمین شده تر است. سیر رشد جنبش سرنگونی در چند سال اخیر در واقع روند تعمیق این "نه"، یعنی نقد مردم به وضعیت موجود بوده است. اکثریت عظیم مردم ایران، کارگران و زنان و جوانان، جمهوری اسلامی را نمیخواهند چون حکومت مذهبی، سلطه مذهب و قوانین مذهبی بر جامعه را نمیخواهند، چون حجاب و آپارتاید جنسی را نمیخواهند، چون فقر و نابرابری و شکاف عظیم بین فقر و ثروت را نمیخواهند. مرگ بر جمهوری اسلامی یعنی مرگ بر فقر و تبعیض و اختناق

و نابرابری. یعنی زنده باد آزادی و برابری. این اساس نارضایتی و اعتراض توده مردم به وضع موجود است.

مضمون این نقد و "نه" مردم باید هر چه شفاف تر و صریح تر و آگاهانه تر شود. نقد مردم به وضعیت موجود یک نقد چپ و رادیکال است و برنامه و سیاستهای حزب ما در نقد مذهب و ناسیونالیسم و فرودستی زنان و اساسا در نقد جامعه طبقاتی و مظاهر و عوارض پرچم و بیانیه این انتقاد اجتماعی است. این پرچم را باید در خیابانها به اهتزاز در آورد. باید بمیان مردم برد و به خواست و انتقاد و انتظار بدیهی توده مردم تبدیل کرد. این بویژه در شرایط اوج گیری مبارزات مردم امری حیاتی است. در این شرایط همه نیروها، حتی آنان که تا دیروز تغییرات تدریجی را موعظه میکردند و یا مردم را از "خشونت" و انقلاب برحذر میداشتند، به اقتضای شرایط روز سرنگونی طلب و انقلابی میشوند. صف مردم از این نیروها جداس. مشخصا در برابر نیروهای اپوزیسیون راست که خواب تغییر رژیم از بالا را میبینند و به مبارزات مردم حداکثر بعنوان یک عامل فشار برای بند و بست و بقدرت خزین از بالای سر مردم نگاه میکنند، مردم باید هشیار باشند. معمولا تحت فشار انقلاب و یا جنبشهای اعتراضی توده ای بر علیه حکومتها، نظیر آنچه امروز در ایران در جریان است، نیروهای سیاسی و احزاب و شخصیهائی پیدا میشوند که در هر قدم سوت پایان مبارزه را میکشند و سعی میکنند مردم را هر چه زودتر بخانه بفرستند. در انقلاب ۵۷ شریف امامی و بختیار و بازرگان و خود خمینی این نقش را ایفا کردند و بیشک این بار نیز ما دوباره شاهد ظهور چنین "غمخوارانی" برای مردم خواهیم بود. توده مردم، کارگران و زنان و جوانانی که ستون فقرات جنبش سرنگونی را میسازند، نه تنها در اهداف اثباتیشان بلکه در نقد و اعتراضشان به وضع موجود نیز هیچ وجه مشترکی با این نیروها ندارند. این تفاوت باید هر چه روشن تر و صریح تر در مبارزات روزمره مردم، در شعارها و مطالبات و افق این مبارزات خود را نشان بدهد. این اولین گام در شکل دادن به قدرت مردم است.

شوراها:

قدرت مردم در تشکل آنهاست

یک اقدام حیاتی در تضمین حضور قدرتمند مردم در تحولات تعیین کننده ای که در پیش است، سازمانیابی است. مردم باید متشکل شوند و متشکل بمانند. تظاهرات و اعتصاب و شورش و قیام اشکال مختلف بروز قدرت مردمند اما جوهر و اساس این قدرت، اتحاد و تشکل مردم است. در جنبش کارگری اتحاد و تشکل یک ضرورت همیشگی و

حیاتی برای پیشبرد و به سرانجام رساندن مبارزه بر سر هر مطالبه ای است. در شرایط انقلابی این به یک ضرورت عمومی در سطح کل جامعه تبدیل میشود. علاوه بر کارگران، اقتضای دیگر مردم، و در وضعیت امروز ایران بویژه زنان و دانشجویان که برای سرنگون کردن نظام بمیدان می آیند، باید در سطوح مختلف بخود سازمان بدهند و متشکل شوند.

یک شکل پایه ای و فراگیر این سازمانیابی تشکل شورایی است. باید از همین امروز برای سازماندهی توده ای مردم و تشکل شوراهای دست بکار شد. قبل از همه فعالین چپ باید خود در هسته های مبارزاتی سازمان پیدا کنند تا بتوانند در سطح وسیعتری مردم را در تشکلهای توده ای گرد آورند و متحد کنند. باید هم اکنون در هر سطح ممکن و برای بدست گرفتن کنترل محلات، برای سازمان دادن تظاهرات و اعتصابات، و برای مقابله با نیروهای سرکوبگر متشکل شد. این برای پیشبرد مبارزات وسیعی که شروع شده است، برای تعمیق و گسترش این مبارزات و بفرجام رساندن آنها امری مطلقا ضروریست. اما این تنها یک جنبه از اهمیت تشکل است. جنبه دیگر آنستکه مردم باید متشکل شوند تا بتوانند بعنوان یک قدرت غیر قابل حذف در صحنه سیاست حضور داشته باشند. تا بتوانند نه تنها بر علیه جمهوری اسلامی بلکه بعد از سرنگونی آن نیز مستقیما در سیاست نقش داشته باشند و اعمال اراده کنند.

امروز مردم در سطح نسبتا وسیعی میدانند که برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی باید متحد و متشکل شد، میدانند که باید آزادی و رهائی را بقدرت خود بدست آورد اما کمتر کسی بر این واقف است که تضمین و تامین این آزادی و حفظ آن نیز در گرو حضور متشکل مردم است. این آموزش را باید بمیان مردم برد. اساس این آموزش لید شورا و حکومت مبتنی بر شوراهاست. مردم باید بدانند که نقش آنها در سیاست نباید تنها به دوره مبارزه و انقلاب محدود بماند. قرار نیست جمهوری اسلامی سرنگون شود و بعد کسی یا نیروهی از بالای سر مردم قدرت را تحویل بگیرد و همه را بخانه بفرستد. مانند آنچه در انقلاب ۵۷ اتفاق افتاد. این داستان کهنه و تلخ نباید باز تکرار شود. مردمی که متشکل میشوند تا نظام موجود را درهم بکوبند، باید بجای دستگاه دولتی درهم کوبیده شده قدرت متشکل خود را قرار بدهند. اینبار قرار نیست مانند سال ۵۷ ساواک برود و ساواما بیاید و شاه برود و فقیه بیاید. قرار نیست مردم رای بدهند و رفتارنوم کنند و پی کارشان بروند.

شوراهای مردم باید قدرت را بدست بگیرند. این پیش شرط رسیدن به آزادی و رهائی واقعی است. این افق و چشم انداز را باید از همین امروز در برابر مردم قرار داد. تشکلهای مبارزاتی امروز میتوانند هسته ها و اشکال اولیه

پیام آذر ماجدی،
رئیس سازمان آزادی زن
به زنان آزادیخواه و قهرمان ایران!

زنان آزادیخواه!

رشادت و شهامت شما در این هفته اخیر تحسین برانگیز است. شما با مبارزات قهرمانانه خود، با شرکت وسیع و فعالتان در جنبش اعتراضی علیه سرکوب و ستم، علیه نابرابری و ستم جنسی و با قرار گرفتن در راس مبارزات مردم برای آزادی و برابری صحنه هایی زیبا و باشکوه از قهرمانی و شجاعت آفریدید. درود بر شما!

با شهامت زائندالوصفی حجاب از سر برداشدید و آترا به آتش کشیدید. آپارتاید جنسی را شکستید و قوانین ارتجاعی مذهبی و ضد زن را زیر پا گذاشتید. در مقابل سرکوب خونین رژیم اسلامی ایستادگی کردید. با این حرکات و قهرمانیها نه تنها پوچ بودن افسانه ارتجاعی و قرون وسطایی درجه دوم بودن زن را به اثبات رساندید، بلکه خصلت آزادیخواهانه و برابری طلبانه جنبش اعتراضی مردم ایران را به جهانیان نشان دادید. به مردم جهان نشان دادید که هر آنچه توسط رسانه های نوکر بین المللی در مورد اسلامی بودن جامعه ایران و مردم ایران اشاعه می یابد، اراجیفی بیش نیست. به آنها نشان دادید که حجاب اسلامی، آپارتاید جنسی، قوانین اسلامی و رژیم اسلامی فقط و فقط به زور سرکوبی خونین و خشن بر جامعه ایران و بر شما زنان آزادیخواه تحمیل گشته است. و شما عزم جزم کرده اید که بساط این نظام مذهبی، حجاب اسلامی و ستم جنسی را برای همیشه برچینید. عزم جزم کرده

اید که پرچم برابری زن و مرد و رهایی زن را در جامعه ایران برافرازید. درود بر شما!

زنان آزادیخواه و مبارز! باید هشیار باشیم که این مبارزه آزادیخواهانه، این جنبش برابری طلبی هر چه رادیکال تر، هر چه پرتوان تر و با شعارهای روشن به پیش رود. این روزها تاریخ سازند و شما دارید تاریخ آینه ایران را میسازید. شما افتی روشن می کنید. آزاد را برای جامعه ایران ترسیم میکنید. آینده ایران باید آینده ای باشد که آزادی بی قید و شرط زنان و برابری کامل زن و مرد را تامین کند. به کم نباید رضایت دهیم. به وعده های پوچ و توخالی نباید تسلیم شویم. نباید اجازه دهیم که سرنوشته انقلاب ۱۳۵۷ تکرار شود. باید هشیار و آگاه در صحنه حضور داشته باشیم. آزادیخواهی هر جریان سیاسی با تعهد و احترام آنها به اصل آزادی زنان و برابری زن و مرد قابل محک است. سازمان آزادی زن سرسختانه برای این اصل مبارزه میکند. ما در این مبارزه پر پیچ و خم، در این مبارزه باشکوه برای آزادی و برابری در کنار شما قرار داریم. به سازمان آزادی زن پیوندید!

زنده باد آزادی و برابری
آذر ماجدی
سازمان آزادی زن

۲۶ خرداد ۱۳۸۲ - ۱۶ ژوئن ۲۰۰۳

برای یک دنیای بهتر
برنامه تلویزیونی علی جوادی
از طریق ماهواره در تلویزیون "کانال ۱"
سه شنبه: ۱۱:۳۰ شب
پنجشنبه: ۶:۳۰ بعد از ظهر
جمعه: ۱۲ ظهر
شنبه: ۶:۳۰ بعد از ظهر
بوقت تهران

راديو انترناسیونال

۲۱ متر - ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۳۰ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

Tel: 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر راديو:

0046 8 659 0755

راديو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

تتشکل شوراها باشند. انقلاب در حال شکل گرفتن است. رمز پیروزی مردم در این انقلاب، و راه جلوگیری از مخاطراتی که آن را تهدید میکند، تعمیق رادیکالیسم و سازش ناپذیری مردم در نقد وضع موجود از

از صفحه ۱

جنگ آخر

تنها در عرض هشت روز جای اسامی منتظری و حجابیان و سحابی و کروی و حجت الاسلام خاتمی را جوانان تهران پارس، کارگران بهشهر، دانشجویان علم و صنعت، زنان و دختران شیراز، و مردم محلات اصفهان گرفته اند و به مرکز خبرها رانده شده اند. مفاهیم "مقدس" اپوزیسیون بورژوا نیز در همین مدت کوتاه جای خود را به مفاهیمی کاملاً متضاد داده است. ترمهائی مانند "جمهوریت" و "جمهوریخواهان و منشورهای اینها را حتی کسی بیاد نمیآورد، نافرمانی مدنی از همان ۲۰ خرداد دود شد و به هوا رفت، تئوری "علم خشونت" در میان مردم خریداری نیافت و اکنون فقط به جوک میماند، رفتارند این سبیل ظالمانی "وحدت کلمه" طیف وسیع گروههای سیاسی متلون راست و میانه سرعت کم رنگ و حاشیه ای و فرقه ای شد. جای این عبارات با انقلاب، اعتصاب، مقاومت، سرنگونی، درگیری، کونکول مولوتف، آتش زدن حجاب پر شد و در کوچه و بازار، در دانشگاه و محله، در تاکسی و اتوبوس بحث انقلاب ۵۷ دوباره بر سر زبانها افتاد. دوران پرتلاطم و تاریخساز شروع شده است.

اعتراضات از یک مساله صنفی شروع شد و در عرض چند ساعت به یک اعتراض سیاسی با کوبنده ترین شعارها علیه حکومت تبدیل شد. شعارها از اعتراض به خصوصی شدن دانشگاهها به مرگ بر خامنه ای و علیه حجاب و دفاع از زندانیان سیاسی تبدیل شد و تنها در عرض چند روز حرکت از یک دانشگاه به سایر دانشگاهها و از دانشگاهها به میدان های شهرها و محلات سرازیر گردید و سپس به محلات کارگر نشین بهشهر و اصفهان و بی خانمان های کرمانشاه رسید. سراسر کشور دارد به غلبان درمیآید. کارگران اعتصابات را وسعت میدهند و تعرضی تر جلو میآیند. تهدید به تظاهرات میکنند و علیه سران حکومت شعار میدهند. تهدید این غول را همه میتوانند ببینند. ابتکارات از میان مردم میجوشد، مقاومت در برابر سرکوب جلی تر میشود، روحیه تعرض بر تظاهراتتاکم حاکم است، در مقابل کتک زدن و دستگیری توسط لباس شخصی ها، مردم هم آنها را میزنند و حتی دستگیرشان میکنند. اهالی محل در خانه ها را بروی تظاهرات کنندگان باز میکنند، ماموران رژیم را هو میکنند و سنگ میاندازند، ماشین ها بوق میزنند و راه بنادان ایجاد میکنند، دیگران از پشت بامها سوت میزنند. این اولین بار در طول ۲۴ سال گذشته است که چنین روحیه ای بر فضای سیاسی ایران حاکم شده

است. این جنبش با جنبش های قبلی تفاوتی آشکار دارد.

جنبش سرنگونی چوبدست های خود را کنار گذاشته است

جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم از ۱۸ تیر ۷۸ شروع شد. اما آن اعتراض و اعتراضات سیاسی توده ای متعاقب آن در توازن قوای دیگر بود. پوشش دو خرداد و تحکیم وحدت و انجمن های اسلامی را برای ابراز وجود لازم داشت. برای شروع هر اعتراضی باید منتظر تکانی از آنها میشد و دقیقتر است گفته شود که آنها را برای شروع حرکت تحت فشار میگذاشت و تشویق میکرد تا بتواند زیر آن چتر اظهار وجود کند و خود را به جلو صحنه بکشد. بستن روزنامه سلام و مجازات اعدام آنجاری بهانه هائی بود که حرکت حول آن شروع میشد. جنبش سرنگونی زیر آن چتر خود را مرتب بالاتر میکشید و ابتکار را بدست میگرفت. امروز این چوبدستی ها را کنار گذاشته است. توازن قوای قبلی این اجازه را نمیداد. از ۱۸ تیر ۷۸ دو خرداد به این جمع بندی رسید که سیاست فشار از پائین را کنار بگذارد. به روشنی خطر پائین را میدید که برای امر خود بسیج میشود. این سیاست کنار رفت. جنبش سرنگونی باید نیرو بسیج میکرد، توازن قوا را به نفع خود تغییر میداد و برای ابراز وجود مستقل آماده میشد. ۲۰ سال فاصله مابین ۱۸ تیر ۷۸ تا ۲۰ خرداد ۸۲ (۱۰ ژوئن ۲۰۰۳)، زمانی است که جنبش سرنگونی خود را برای اظهار وجود مستقل و ایستادن روی پای خود آماده کرده است. اعتراضات قبلی با توافق و سازشی، فروکش میکرد، تحکیم وحدت کنار میکشید، و بخش سرنگونی طلب هنوز آمادگی نداشت به تنهایی اعتراض توده ای قابل توجهی را شروع کند و برای مدت طولانی آنرا ادامه دهد. اینبار ابتکار از همان بدو کار در دست این بخش است. شعارها، روحیه تعرضی، پیگیری، گسترش سریع و وسیع آن و پتانسیل آن همگی ناشی از این مساله است. کسی قرار نیست سازش کند، نمایندگان مجلس قرار نیست پادیمانی کنند، این جنگ آخر است یکی باید پیروز شود.

جمهوری اسلامی و جنبش سرنگونی

هشت روز است در دانشگاهها و خیابانها مرگ بر خامنه ای میگویند و جمهوری اسلامی قادر به سرکوب نشده است. دو روز بعد از فرمایشات رهبر به نیروهای سرکوب که بیرحمانه برخورد کنند سعید عسگر و تعدادی دیگر از نیروی خط مقدم حمله به مردم دستگیر میشوند و نماینده ولی فقیه اعلام میکنند که سعید عسگر مقصد فی الارض است و باید حکمش در مقابل دانشجویان به اجرا درآید. عریه رهبر توسط نماینده رهبر خفه میشود. میدانند هوا پس است. فهمیده اند که

سرکوب و خون پاشیدن مردم را بیشتر به صحنه میکشاند، فهمیده اند که اینبار مردم با تیراندازی به خانه نمیروند ممکن است اسلحه هایشان را بیرون بکشند. اما مشکل فقط این محاسبات نیست. مشکل رژیم بسیار عمیقتر است.

بحران در حکومت همچنان تعمیق میشود. حتی آنجا که کل دم و دستگاشان مورد تهدید است اتحاد دور از دسترس مینماید. نمایندگان مجلس به رهبر پیام انتقادی میدهند و جناح مقابل نمایندگان را به پول گرفتن از آمریکا و کرنش و تسلیم در مقابل آمریکا متهم میکنند. بدون یک تسویه حساب قابل توجه در بالا سرکوب تمام عیار غیرممکن بنظر میرسد.

در سطح بین المللی موقعیت جمهوری اسلامی شکننده تر از تمام طول ۲۴ سال گذشته است. انزوای جمهوری اسلامی به حد اعلائی خود رسیده است. در مدیای رسمی غرب بحث سرنگونی حکومت اسلامی جای دو خرداد "دمکرات" و اسلام "پاستوریزه" را گرفته است.

این موقعیت به جنبش سرنگونی امکان پیشروی میدهد. اینکه سرکوب تمام عیار هنوز در دستور رژیم قرار نگرفته است تنها ناشی از ترس گسترش اعتراضات نیست، خود نیروهای سرکوب هم یکدست نیستند و آمادگی کافی برای مقابله توده ای با مردم ندارند. نه تنها ارتش که سپاه و بسیج هم منسجم نیست. دعوای جناحی از یکطرف و ناراضی، بی روحیگی و نداشتن انگیزه از طرف دیگر از مختصات نیروهای نظامی رژیم است. در چنین شرایطی هجوم نیروی مسلح به مردم بازی با آتش است. حتی این امکان هست که از درون دچار مشکلاشان کند و آنوقت همه چیز تمام است.

بعلاوه بخوبی آگاهند که سرکوب بدون گشایش اقتصادی در زندگی مردم به جایی نمیرسد. نمیتوان هم سرکوب کرد و هم مردم را برای طولانی مدت گرسنه نگه داشت. این یک مشکل استراتژیک تر جمهوری اسلامی است.

با اینهمه و علیرغم همه موانع، جمهوری اسلامی خود را برای سرکوب آماده میکند. راه دیگری ندارد. اما این سرکوب حتی اگر بتواند این جنبش اعتراضی را به خون بکشد، امکان شکست آنرا ندارد. ممکن است یک هفته اوضاع آرام کند، که آنهم با توجه به طول و عرض این اعتراض امر بسیار دشواری است، اما جنبش اعتراضی و سرنگونی از جای دیگری اینبار قدرتمندتر سر بلند میکند. این جنبش قصد کوتاه آمدن ندارد. نمیتواند کوتاه بیاید. نقطه سازشی با حکومت اسلامی ندارد. جنبشی برای رفم رژیم نیست. این جنبش سرنگونی است و نمیتواند در نیمه راه متوقف شود. این جنبش تا همینجا مطابق میل

خیلی ها پیش نرفته است. تغییر رژیم از بالا با کمترین تحول اساسی در جامعه، سناریویی که بخش اعظم اپوزیسیون راست سلطنت طلب و جمهوریخواه و دول غرب دنبال میکنند، توسط اعتراضات توده ای تنها در عرض یک هفته زیر سوال رفته است.

مردم دست به روشهای انقلابی برای تغییر رژیم میزنند و این در واقع سریعترین راه، مطمئن ترین و کم دردترین راه سرنگونی جمهوری اسلامی است. مردم تا همینجا از بسیاری شعارها عبور کرده اند. اعتراضات روزهای اخیر مسیر آینده را و اشکال مبارزه برای سرنگونی را تعیین کرده است. قیام قهرآمیز. این برگشت پذیر نیست. این اعتراضات بهر شکل ادامه یابد، دیگر در جامعه ایران تهرای عدم خشونت و نافرمانی مدنی خریداری نخواهد یافت. این به خودآگاهی مردم تبدیل شده است. روال کنونی برای اردوی "تغییر از بالا" رضایتبخش نیست. راه پس رفتن و عقب کشیدن نیز ندارد. ارتش که سنتا میتواند یک پایگاه آنها برای برگرداندن ورق باشد، خود با دشواریهای عمیقی مواجه است. شکل گرفتن یک هسته قوی برای دخالت تحت کنترل آنها لااقل زمان زیادی میخواهد. و در این فاصله فاکتورها بسرعت تغییر میکنند. سرعت تحولات قابل مقایسه با انقلاب ۵۷ نیست. خیلی سریع تر رادیکالیزه میشود و به مراحل آخر نزدیک میشود.

این روزها، بسیار تعیین کننده است. جمهوری اسلامی در وحیم ترین وضعیت بحرانی قرار گرفته است. جنبش اعتراضی میتواند پیشروی کند، گسترش یابد و تعمیق شود. اکنون وقت این پیشروی و تثبیت دستاوردها است. تعمیق آگاهی حاکم بر جنبش، شعارها و مطالبات و قطعنامه ها، برقراری کنترل در محلات و ایجاد شبکه های مختلف سازماندهی در میان مردم هر محل، تحکیم رابطه مبارزاتی در میان بخشهای مختلف مردم، کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان و جوانان، تشکیل انواع گروهها در میان بخشهای مختلف مردم برای متحد و متشکل کردن آنها از اقلام کاری است که کمونیست ها و رهبران پیشرو این جنبش اعتراضی باید بدون از دست دادن هیچ فرصتی به آن مشغول باشند. تنها در چنین صورتی است که حتی با یک سرکوب خونین سنگرهای مهمی برای غلبه بر حکومت اسلامی فتح شده است.

زنان و جنبش سرنگونی

جوانان و زنان نیروی اصلی این تظاهراتتاکم هستند. و در کنار این دو نیرو اعتصابات و اعتراضات وسیع کارگری جریان دارد. انقلاب ایران زنانه است. علیه اسلام و راه و رسم اسلامی است، علیه فردستی زن است. زنان تقویت شده ترین بخش جامعه اند و با روحیه ای عالی در صف اول اعتراضات جای گرفته اند.

آزادی اندیشه با مقنعه نمیشه، خصلت ضد مذهبی و ضد زن سبزی اعتراضات را بیان میکند. پرت کردن حجاب و سوزاندن آن در کنار زیریا گلگاشتن مرزهای آپارتاید جنسی بارزترین خصلت انقلابی است که جریان دارد. بنیادهای رژیم مذهبی زیر ضرب قرار گرفته است. جنبش خلاصی فرهنگی و مدرنیسم را اساسا این دو نیرو یعنی زنان و جوانان تشکیل میدهند. جوانان، زنان، کارگران و همراه با آنان قشر وسیع حقوق بگیران جزء عظیم ترین نیروی ذخیره این انقلاب اند. شاید کمتر انقلابی چنین نیروی عظیمی را در خود ذخیره کرده باشد. این نیروها گام به گام و لایه به لایه دارند تکان میخورند. و توازن قوا را به نفع خود تغییر میدهند.

کارگران و جنبش سرنگونی

در سالهای گذشته محیط های کارگری یکی از مراکز فعال مبارزاتی بوده است. موقعیت اقتصادی و اجتماعی کارگران اما با موقعیت دانشجویان بسیار متفاوت است. کارگر نمیتواند به خیابان بیاید علیه خامنه ای شعار بدهد و فردا سر کارش برگردد. این برای کارگر دانشجو مقصور است اما برای کارگر نیست. دانشجو میتواند دستگیر شود شش ماه در زندان باشد و مجدداً به کلاسش برگردد این عینا در مورد کارگران صادق نیست. کارش را از دست میدهد و خانواده اش میپاشد. زمانی طبقه کارگر به تظاهرات سیاسی در خیابانها دست میزند که جنگ آخر شروع شده باشد. اعتصاب برای دستمزد معوقه و افزایش دستمزد در نسبتا وسیعی دارد سنگر فعلی کارگران است. اما این وضع دارد تغییر میکند. بهشهر یک نمونه درخشان آن است. تهدید به تظاهرات و شعار دادن علیه سران رژیم از نمونه های دیگر این تغییر وضعیت است. فی الحال اعتراضات در برخی شهرها به مناطق کارگر نشین کشیده شده است. با اینهمه حضور متشکل کارگران در مبارزه برای سرنگونی هنوز شروع نشده و این نه تنها برای سرنگونی ضروری است که برای ایجاد تحولات رادیکال و سوسیالیستی نیز حیاتی است. شرط پیروزی آن است که طبقه کارگر با برافراشتن پرچم سرنگونی و با طرح شعارها و مطالبات اساسی جنبش آزادیخواهانه مردم در صف اول این مبارزه قرار گیرد. در سال ۵۷ بدنال کشتار میدان ژاله در ۱۷ شهریور، و برقراری حکومت نظامی در تهران و تعداد دیگری از شهرها این اعتصابات کارگری بود که تناوم انقلاب را عملی ساخت و آنگاه که کارگر نفت با قطعنامه سیاسی اش دست به اعتصاب زد کمر حکومت شاه شکست. اکنون نیز تعمیق و گسترش این جنبش به حضور طبقه کارگر، حضور کارگران مراکز مهم صنعتی و در راس آن نفت گره خورده است. مشکل ۵۷ اما این

بچه‌های محل باید متشکل شوند

مصاحبه با بهرام مدرسی

دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست
درباره اعتراضات اخیر در ایران

هفتگی: تظاهرات و اعتراضات دانشجویان و مردم که بطور ممتد در ۱۰ روز گذشته به اکثر شهرهای بزرگ ایران کشیده شده، دوره جدیدی از تحریک جنبش سرنگونی را نشان میدهد. از نظر شما ویژگیهای این دوره اخیر چیست و کلا چه ارزیابی ای از این حرکت دارید؟

بهرام مدرسی: این از نظر من یکی از مراحل جنگ آخر مردم و جوانان با رژیم اسلامی است. اگر چند سال پیش جوانان و مردم مجبور بودند به علت توازن قوای معینی که وجود داشت، به بهانه بسته شدن این یا آن روزنامه دوم خردادی به خیابان بیایند و تظاهرات کنند، امروز دیگر این مردم ابتدا به ساکن و مستقل برای به زیر کشیدن رژیم اسلامی و بدست آوردن خواسته‌هایشان تظاهرات و اعتراض میکنند. این شروع عملی به زیر کشیدن رژیم اسلامی است، دور آخر حیات این حکومت ارتجاعی اسلام و خدا و سرمایهداری است.

ویژگی اصلی این تحریک از نظر من رادیکالیسم آن است. از دستگیر کردن لباس شخصی‌ها توسط مردم در تهران تا تعرض متقابل به نیروهای سرکوب رژیم همه نشان از آمادگی مردم برای به زیر کشیدن رژیم اسلامی است. میگویم به زیر کشیدن چون همه و بخصوص جوانان میدانند که این حکومت سیاه اسلامی را باید به زور

گفته بودیم که این روزها فراخواهند رسید، این اعتراضات شورانگیز و امید بخش بودند و به استقبال آن رفتیم. تلاش ما این است که این اعتراضات را گسترش بیشتری بدهیم. ابعاد کمی آنرا به شهرهای زیادتری بکشانیم و شعارهایی که بیان خواست امروز ما هستند را به شعارهای اصلی این اعتراضات بدل کنیم. شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد آزادی، زنده باد برابری، شعارهای کلیدی هستند که از طرف حزب کمونیست کارگری ایران و لیبر آن کورش مدرسی طرح شداند اینها شعارهای اصلی فعالین و اعضای سازمان جوانان کمونیست در این اعتراضات هستند.

اگر بخواهم در مورد نقش سازمان جوانان کمونیست گفته باشم، باید به فعالیتهای هزاران دانشجوی کمونیست و سوسیالیست اشاره کنم که روزهای اخیر نقشی اساسی در طرح شعارها، بسیج مردم و گسترش اعتراضات داشته‌اند. من بارها گفتم روزی که ما امکانش را داشته باشیم، در اولین فرصتی که پیدا کنیم، دفتر سازمان جوانان کمونیست در دانشگاهها و محلات کل کشور باز میکنیم که مراکزی برای آشنایی با این رفقا و دوستان خواهد بود. من همینجا به همه این عزیزان دود میفرستم و دستشان را میفشارم.

در رابطه با ۱۸ تیر، اگر تا آنوقت رژیم اسلامی هنوز سرکار مانده باشد، کار ما گسترش اعتراضات برای پائین کشیدن رژیم اسلامی خواهد بود. می‌خواهیم ۱۸ تیر را به روزی بدل کنیم که پرچم آزادی و برابری جلوی همه تظاهراتهای مردم و جوانان به اهتزاز درآید. روز ۱۸ تیر باید روز تظاهرات میلیونها انسان در ایران در شهرهای مختلف باشد. باید روزی باشد که نه امام زمان به دادشان برسد

و نه چماقداران لباس شخصی و رئیس جمهور گریان. ما در تدارک این امر هستیم.

هفتگی: سازمان جوانان کمونیست تاکنون درباره متشکل شدن جوانان بکرات حرف زده است. با توجه به اینکه جوانان ایران وزن مهمی در تحولات آتی و جنبش مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی دارند، در دوره متحول کنونی درباره متشکل یابی جوانان در دانشگاهها و مدارس و محلات و آماده شدن آنها برای رویارویی با حکومت اسلامی چه نکاتی را تاکید میکنید و چه رهنمودی به جوانان چپ و کمونیست دارید؟

بهرام مدرسی: در مورد نقش جوانان حق کاملاً با شما است. این روزها وسیعترین امکان برای متشکل شدن و سازمان دادن وجود آمده است. دانشگاهها باید مرکز فعالیت دانشجویان کمونیست باشد، نه نماز جماعت و تحکیم وحدت و انجمن اسلامی. این را باید پس گرفت. باید شعارها و مطالبات دانشجویان کمونیست کل فضای سیاسی دانشگاهها را در برگردد. اینکه از طریق چه تشکل معینی، دانشگاه به دانشگاه متفاوت است. رفقای محل باید تصمیم بگیرند، بهرحال به هر اسم و شکلی که باشد این تشکل دانشجویان کمونیست است. آنجا که به کل دانشجویان مربوط است، آنها باید ارگانهای عمومی خود را در دانشگاهها تشکیل دهند. این انجمن اسلامی و غیره نیست. ما به این شورا میگوئیم، منتها تحت هر اسمی که باشد، هدف باید ایجاد ارگانهای وسیع و توده‌ای دانشجویان در هر دانشگاه باشد، ارگانهایی که درباره همه چیز از امورات دانشگاهشان تا آینده سیاسی ایران بحث میکنند و تصمیم میگیرند. دانشجویان کمونیست طبعاً در صف اول این ارگانها خواهند بود. همین در مورد مدارس هم صدق

میکند. در محلات خیلی ساده باید رژیم اسلامی را بیرون کرد. محلات باید به مناطق آزاد از رژیم اسلامی و قوانینش و چاقوکشانش تبدیل شوند. اوباشان نباید جرات کنند که راحت به محله‌ای وارد شوند چه رسد به اینکه بخواهند کسی را دستگیر یا دختری را بخاطر نداشتن حجاب اسلامی آزار دهند.

بچه‌های محل باید متشکل شوند و ارگانهای همگانی محل را تشکیل دهند، همانطور که گفتیم ما به این ارگانها شورا میگوئیم ولی اینجا اسم مهم نیست، اینها ارگانهای همه مردم محل است. اگر همین امروز امکان تشکیل این ارگانها را نداریم، این کار بچه‌های کمونیست محل است که خودشان در درجه اول متشکل شوند و مردم را ترغیب کنند که این ارگانها وجود آید. چه از طریق این ارگانها و چه از طریق فعالیت مستقیم بچه‌های کمونیست و آزادیخواه محل، باید محلات تبدیل به مناطق آزاد از ارتجاع اسلامی و سرکوبگرانش شوند. باید جمع شویم و قرار و مدار تظاهرات را تعیین کنیم. پلاکاردها و شعارها را حاضر کنیم و با محلات دیگر تماس بگیریم و هماهنگ کنیم.

انتظار من از تمام جوانان و دانشجویان کمونیست این است که ضمن همه این اقدامات با سازمان جوانان کمونیست برای تضمین پیشبرد عمل مشترک، سراسری و هماهنگ تماس بگیرند. من تصویب این است که در اولین فرصتی که امکانش را داشته باشیم، دفتر سازمان جوانان کمونیست در دانشگاهها و محلات تشکیل میشوند و مرکزی برای کار رادیکال و انسانی، عمل متحد و مصمم خواهند شد. روزهای آتی، روزهای شورانگیزی خواهند بود. باید به استقبالش رفت. ما کاملاً آماداییم.



بود که طبقه کارگر نتوانست به حزب مستقل خود، با سیاست مستقل خود، و با مطالبات مستقل خود به میدان بیاید. این فاکتور امروز تغییر کرده است. حزب کمونیست کارگری در صحنه است و این مهمترین تفاوت شرایط امروز با مقطع انقلاب ۵۷ است.

پیشروی در بدست گرفتن پرچم رهائی جامعه است. دوره ای طلایی در حیات سیاسی ایران شروع شده است که طبقه کارگر نباید آنرا از دست بدهد. اکنون کافی است پنج هزار کارگری که دستمزدشان پرداخت نشده متحد به خیابان بیایند و با تجمع اعتراضی در مقابل مراکز دولتی، در دل سران رژیم وحشت ایجاد کنند. اعلام اعتصاب در یک رشته کارخانه‌های مجاور هم برای افزایش دستمزد کافی است که بلافاصله رژیم را به تسلیم بکشاند و در شرایط کنونی این بمعنای گسترش جنبش سرنگونی است. جمع شدن رهبران کارگری و کارگران کمونیست، ایجاد آمادگی برای سازماندهی مجامع عمومی در یک کارخانه تا یک منطقه تا تشکیل شبکه‌های مبارزاتی و کمیته‌های مخفی اعتصاب، تحکیم رابطه با فعالین کارگری در مراکز

دیگر، حلقه‌های دیگری از ایجاد آمادگی و سازماندهی است که سرعت باید در دستور آنها قرار گیرد.

اجازه دهید با بخشی از پیام کنگره سوم حزب کمونیست کارگری به قلم منصور حکمت این نوشته را پایان دهم:

"تحولات امروز ایران فقط بر سر بود و نبود رژیم اسلامی نیست. آنچه امروز در ایران میگذرد تعیین میکند که فردا دهها میلیون انسان چگونه خواهند زیست. آن آینده دارد امروز ساخته میشود. انتخابی بزرگ دارد صورت میگردد. این آینده میتواند، اگر ما شکست بخوریم، تکرار همان گذشته نکبت بار سلطنتی و اسلامی در قالبی جدید باشد. اما اگر پیروز شویم، و میتوانیم بشویم، آنگاه این آینده شاهد برپایی جامعه‌ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی خواهد بود.

جامعه‌ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، بدون تبعیض. یک جامعه سوسیالیستی. کنگره سوم حزب کمونیست کارگری بر نقش تاریخساز طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری در شکل دادن به آینده ایران و فرصت کم نظیری که برای ایفای نقش کارگر و کمونیسم بعنوان رهبر یک جنبش عظیم برای آزادی و برابری در ایران فراهم شده است تاکید کرد.

رفقا،

در دنیای سرمایه داران، در قوانین شان، در مناسبات اقتصادی شان، در فرهنگ شان، در تک تک خشت‌های نظام ضد بشری سود و سرمایه، کارگر را با بیحقوقی و محرومیت و فرودستی

و بی‌تامینی و رنج معنی میکنند. اما بیش از یک قرن و نیم است که بشریت محروم نام کارگر و پرچم کمونیسم کارگری را با آزادیخواهی، مساوات طلبی، آزاد اندیشی، عدالت اجتماعی، خرافه ستیزی و رفاه و رهایی تداغی میکند. اکنون یک فرصت کم نظیر تاریخی فراهم شده است که طبقه کارگر در ایران به یک قرن سلطه احزاب رنگارنگ طبقات حاکم به زندگی مردم و مقدرات جامعه پایان بدهد. این فرصت فراهم شده است تا کارگر و کمونیسم نمونه شکوهمندی از یک جامعه آزاد و برابر و مرفه و انسانی را در ایران بنا کند و در سالهای نخستین قرن جدید جلوی چشم مردم جهان قرار بدهد. برای ایفای این نقش، برای سازماندهی و رهبری یک انقلاب عظیم علیه جمهوری اسلامی و سرمایه به میدان بیایید."

جنبش برچیدن بساط رژیم اسلامی در محلات را گسترش دهیم!

علی جوادی

"بسیاری از محله ها و خیابانها شبها به دست جوانان اداره میشوند"



و حرکت در پاسخگویی به آن را اینگونه بیان میکند: "آنچه این جنبش احتیاج دارد سازماندهی است که خوشبختانه در حال شکل گیری است. در بسیاری از محله ها انجام شده و من هم با کمک آزادیخواهان در این کار همکاری میکنم." باید اشکال مختلف سازماندهی بطور گسترده و همه جانبهی تبدیل به ارکان اعمال اراده و قدرت مردم در محلات شود. اعمال قدرت در سطوح مختلف و در هر سطحی باید توسط شوراهای خود مردم انجام شود.

برداشته و به رقص و پایکوبی میپردازند. دیدن خوشحالی مردم بسیار شگفت انگیز است. (نامهایی به علی جوادی) این فقط گوشه‌ای از اراده جوانان و مردم در محلات است. باید این شکل گیری قدرت مردم را با ابتکار و خلاقیت مردم در عمل سرعت بخشید، محلات بسیاری را میتوان از دست رژیم از هم اکنون خارج کرد و توازن قوای سیاسی را به نفع مردم عوض کرد. اگر در ابتدا بسیاری از محلات تنها در شب در کنترل جوانان و مردم محله است، باید روزها را هم به قدرت مردم محله در اختیار گرفت. باید حوزه دخالته و عملکرد محلات را هر روزه گسترش داد.

اما برای پیشروی و تثبیت دستاوردهای این جنبش در هر قدم باید سازماندهی متناسب با آن را نیز بوجود آورد. این نیاز حیاتی و مبرم این جنبش است. مبرم فعال این جنبش نیز بر این ضرورت تاکید دارد و این نیاز

ناکار کردن اوباش اسلامی یک بخش از اعمال اراده و قدرت در محلات است. از طرف دیگر باید از هم اکنون شرایطی را فراهم کرد تا ساکنین محلات به هر درجه که ممکن است آزادانه زندگی کنند. حجاب اجباری را به دور بیاورند. قوانین آپارتاید جنسی و جداسازیهای جنسی را زیر پا بگذارند. شاد باشند و به رقص و پایکوبی بپردازند. پر و بال خود را باز کنند و اراده خود را اعمال کنند. و متحذانه مانع اعمال خشونت و تهاجم اوباش اسلامی به ساکنین محله شوند.

اما روند قدرت گیری مردم در محلات از هم اکنون آغاز شده است. در نامهای از اصفهان دوست عزیزم مریم م. به این مطلب اشاره میکند و به آنچه در حال شکل گیری است میپردازد. مینویسد: "رژیم اسلامی در حال فروپاشی و اضمحلال است. بسیاری از محله ها و خیابانها شبها به دست جوانان اداره میشوند. زنان میان جمعیت تظاهر کننده روسری ها را از سر

رژیم اسلامی را در هر کجا که ممکن است برچید؟ چگونه میتوان قوانین رژیم اسلامی را در عمل زیر پا گذاشت و این شرایط را از هم اکنون تبدیل به نرم زندگی تبدیل کرد؟ به عبارت دیگر و در یک کلام چگونه میتوان قدرت را از آن مردم کرد؟

کنترل و حاکمیت مردم در محلات یک حلقه مهم و تعیین کننده در برچیدن بساط رژیم اسلامی از هر گوشه و کناری است. باید بساط رژیم اسلامی را از محلات برچید. باید کاری کرد تا عرصه زندگی بر اوباش اسلامی و ارگانهای سرکوش عملا در محلات غیر ممکن شود. باید مانع حضور اوباش اسلامی در محلات شد. نباید اجازه داد تا بسیجی ها و موتور سواران رژیم جرئت کنند در محلات ما ظاهر شوند. نباید اجازه داد احدی را مورد ضرب و شتم قرار دهند. نباید گناشت احدی را دستگیر کنند. باید در دیوار محله را از شعارهای آزادیخواهانه و برابری بلبلانه پر کرد. اما مقابله و

دور پایانی جنگ مردم با جمهوری اسلامی آغاز شده است. جرقه این جنگ در دانشگاه و با اعتراض دانشجویان زده شد. اما با سرعتی یاور نکردی به محلات و مناطق مختلف تهران و سایر شهرهای ایران سرایت کرد. آنچه در شرف وقوع است نشاندهنده بن بست محتوم رژیم اسلامی و زمینهای عملی فروپاشی آن است. مردمی که سالیان سال شب و روز به رژیم اوباش اسلامی و سرانش لعنت فرستاده بودند، اکنون در ابعادی گسترده تر پا به میدان نبرد میگذارند. بدون هیچ ابهام و تردیدی این جنگی بر سر بود و نبود جمهوری اسلامی است. مردم دست به ریشه برداند، انقلاب و سرنگونی رژیم اسلامی. چگونگی خارج کردن قدرت از دست رژیم در هر گوشه و کناری از جامعه به مساله اصلی مردم تبدیل شده است. سؤال این است که چگونه میتوان قدرت مانور و سرکوب رژیم اسلامی را محدود و ناکارا کرد؟ چگونه میتوان بساط اوباش و سرکوبگران

کمپین حمایت از جنبش سرنگونی در ایران

کارگران مبلیران جاده مخصوص کرج را بستند!

چند کانال تلویزیونی از این تظاهرات گزارش تهیه کردند.

۲۸ خرداد
استکهلم: ساعت سه بعد از ظهر تعداد زیادی از ایرانیان در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم اجتماع کردند. تظاهرات کنندگان با شور و هیجان و خشم علیه جمهوری اسلامی شعار میدادند، و حمایت خود را از دانشجویان و مردم در ایران نشان میدادند. شعارهای آزادی برابری حکومت کارگری و مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر این حکومت ضد زن یک لحظه قطع نمیشد. عده ای از جوانان تصاویر نقاشی شده ای را با خود حمل میکردند که افشا کننده جنایات جمهوری اسلامی بود. عده ای دیگر بر صورت خود یا مائیک نوشته بودند "آزادی برابری"

۲۹ خرداد
گوتبرگ: تظاهراتی با شرکت تعداد زیادی از ایرانیان صورت گرفت. تظاهرات کنندگان شعارهای سرنگونی حکومت اسلامی و آزادی برابری حکومت کارگری سر میدادند. سخنرانان برای مردم از مبارزات مردم در شهرهای مختلف ایران سخن گفتند.

۲۹ خرداد
بوئن: چادر اطلاعاتی شبانه روزی ای

کسولگری جمهوری اسلامی تجمیع کردند تا حمایت خود را از مبارزات آزادیخواهانه مردم در ایران اعلام کنند. تعداد زیادی از شرکت کنندگان پیشانی بندی با شعار "آزادی برابری" بسته بودند. مهنوش موسوی و نسان نودینیان از کادرهای حزب کمونیست کارگری سخنرانی کردند. تظاهرات کنندگان ساعتها شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و آزادی برابری حکومت کارگری و شعار "آزادی بی قید و شرط با ریش و پشم نیشه" سر دادند.

استکهلم: تظاهراتی در مقابل پارلمان سوئد با شرکت تعداد زیادی از ایرانیان صورت گرفت. تعدادی از جوانان با مائیک روی صورت خود نوشته بودند "آزادی برابری". جمعیت علیه حکومت ساعتها شعار دادند. گزارشی از این تظاهرات از طریق تعدادی از رسانه های فارسی زبان بین المللی به گوش مردم رسید.

لس آنجلس: یبکتی توسط شماری از ایرانیان در میدان وست وود با شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی و آزادی برابری صورت گرفت. بخشی از پیام کورش مدرسی لیدر حزب کمونیست کارگری ایران خطاب به مردم و دانشجویان بصورت پلاکارد جلب توجه میکرد.

با شروع تظاهرات دانشجویان و مردم در تهران و شهرهای دیگر، تظاهرات و آکسیونهایی برای جلب پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران در کشورهای مختلف برپا گردید. این تظاهرات و اقدامات به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران صورت گرفت و در روزها و هفته های آتی همچنان ادامه خواهد یافت. تلاش اینست که حمایت وسیع بین المللی به سوی مبارزات مردم در ایران جلب شود، و بعلاوه جمهوری اسلامی زیر فشار هرچه بیشتر در سطح جهان قرار گیرد. گوشه ای از این تظاهرات ها در کشورهای مختلف را اینجا ملاحظه میکنید:

۲۴ خرداد

کپنهاگ: بسیاری از ایرانیان از شهرهای مختلف دانمارک در مقابل سفارت جمهوری اسلامی تجمع کردند. تظاهرات کنندگان شعار میدادند مرگ بر جمهوری اسلامی، آزادی برابری و زندانی سیاسی آزاد باید گردد. سخنرانیهایی توسط کادرهای حزب صورت گرفت. بعد از این تظاهرات تلویزیون سراسری دانمارک با ناهید رضایی از کادرهای حزب کمونیست کارگری در مورد اوضاع ایران مصاحبه کرد.

فرانکفورت: صدها نفر در مقابل

را به کارخانه آوردند و کارگران برای مذاکره با کارفرما و مسئولین مربوطه به تجمع خود پایان دادند. کارگران مبلیران به بلا تکلیفی خود و نپرداختن دستمزدهایشان اعتراض دارند. پول بازخریشان نیز بالا کشیده شده است. کارگران میگویند با طرح بازخرد، کارگران را عملا اخراج کرده اند و نه فقط هیچ پولی بعنوان بازخرد نپرداخته اند بلکه دستمزد ۲۰ ماه کارشان را نیز کارفرما به جیب زده است. ■

روز شنبه ۲۴ خرداد ماه کارگران مبلیران جاده مخصوص کرج را از ساعات اولیه صبح تا ۲ بعد از ظهر مسدود کردند و دست به اعتراض زدند. نیروهای گارد ویژه بعد از ساعتی به محل آمدند و کارگران را مورد تهدید قرار دادند. کارگران حاضر به ترک محل نبودند و گفتند باید کارفرما و مقامات جواب روشن و قطعی به خواست آنها بدهند. کارگران از فیلمبرداری اعتراضشان توسط نیروهای جمهوری اسلامی نیز جلوگیری کردند. در ساعت ۲ بعد از ظهر نیروهای انتظامی کارفرما

زنده باد آزادی و برابری!

مراجعه میکنند.

قرار است در روزهای جمعه ۳۰ خرداد و شنبه ۳۱ خرداد ماه نیز در چندین شهر در کشورهای مختلف از جمله بریتانیا، آلمان، کانادا و هلند تظاهراتی به حمایت جنبش عظیم سرنگونی در ایران برپا گردد. ■

شکست نخوردگان به میدان آمده‌اند

رحمان حسین زاده



نبرد نهایی مردم تشنه آزادی و رهایی از یوغ حاکمیت سیاه اسلام و جمهوری اسلامی شروع شده است. ده روز تظاهرات و اعتراض و تحصن و کشمکش مستمر با سرکردگان اسلامی و چشم‌انداز گسترش وسیعتر آن در سراسر ایران، نشانه‌های چنین نبردی را بر خود دارد. ده روزی که گذشت دارای مختصات عروج جنبش و انقلاب توده‌ای علیه جمهوری اسلامی است. هر تحرک و اعتراضی به هر مناسبت و مطالبه‌ای مستقیماً به خواست سرنگونی جمهوری اسلامی ختم شده و شروع آن از هر بعد و جغرافیا و شهری به سرعت همه گیر و بعد سراسری به خود گرفته است. دستگیریهایی وسیع و اعمال فشار و سرکوب، لافزنیهای "رهبر" و گرز چرخانیهای وی و دیگر سران ریز و درشت جمهوری اسلامی، دیگر قادر به ایجاد رعب و وحشت نیستند. در پس مبارزات ده روز اخیر، مردم نیروی قدرتمند خود را تجربه میکنند و سران جمهوری اسلامی پایان عمر حکومتشان را می‌بینند. به همین دلیل همانند ناخدا کشتی در حال غرق، شاید آخرین نقشه‌های مایوسانه را اجرا کنند. رژیم جانی اسلامی به هر کاری و به هر قماری دست بزند، قطعاً گزرا و برد محدودی خواهد داشت و چه بسا شرایط سرنگونی خود را تسهیل میکند. جمهوری اسلامی قادر به مهار انقلاب مردم ایران نیست. چون شکست نخوردگان به میدان آمده و انقلاب دیگری را سازمان میدهند. چون این پیش‌بینی رسای منصور حکمت حکم میراند که: اگر تاریخ داستان تغییر است،

نبرد نهایی و "پروژه ارتجاعی" در آستانه سرنگونی جمهوری اسلامی، برپادارندگان و حامیان جمهوری اسلامی رل دیگری بازی میکنند. نقش ضد مردمی هم پیمانان و حامیان "وطنی" جمهوری اسلامی مثل جبهه ملی و حزب توده و اکثریت، و دکتر و مهندسهایی ملی مذهبی ورشکسته دوم خرداد، در ایجاد و یا سرپا نگه داشتن جمهوری اسلامی عیان است. رنگ عوض کردنهای تانکونی این تاریخ را پرده پوشی نمیکند. از اینها مهتر اینروزها معماران جهانی به قدرت رساندن جمهوری اسلامی و در

آنگاه تاریخ واقعی تاریخ شکست نخوردگان است. تاریخ جنبش و مردمی است که همچنان تغییر میخواهند و برای تعبیر تلاش میکنند. تاریخ کسانی است که حاضر نیستند ایده‌آلها و امیدهای خود برای جامعه بشری را دفن کنند. تاریخ مردم و جنبشهایی است که در انتخاب اصول و اهداف خویش مخیر نیستند و ناگزیرند برای بهبود آنچه هست تلاش کنند - تاریخ شکست نخوردگان - منصور حکمت ۲۵ سال بعد از انقلاب ۵۷، انقلاب دیگری در شرف وقوع است. انقلاب ۵۷ را سرکوب کردند، اما ایده‌آلها و اهداف انقلاب ۵۷، تلاش برای آزادی، رفاه، عدالت و حرمت انسانی را نتوانستند دفن کنند. همین ایده‌آلها امروز نیروی محرکه جنبش پرتوانی است که میرود سلاح سرکوب انقلاب ۵۷ یعنی جمهوری اسلامی را به قعر تاریخ پرت کند.

نبرد نهایی و "پروژه ارتجاعی" در آستانه سرنگونی جمهوری اسلامی، برپادارندگان و حامیان جمهوری اسلامی رل دیگری بازی میکنند. نقش ضد مردمی هم پیمانان و حامیان "وطنی" جمهوری اسلامی مثل جبهه ملی و حزب توده و اکثریت، و دکتر و مهندسهایی ملی مذهبی ورشکسته دوم خرداد، در ایجاد و یا سرپا نگه داشتن جمهوری اسلامی عیان است. رنگ عوض کردنهای تانکونی این تاریخ را پرده پوشی نمیکند. از اینها مهتر اینروزها معماران جهانی به قدرت رساندن جمهوری اسلامی و در

نبرد نهایی و "پروژه ارتجاعی" در آستانه سرنگونی جمهوری اسلامی، برپادارندگان و حامیان جمهوری اسلامی رل دیگری بازی میکنند. نقش ضد مردمی هم پیمانان و حامیان "وطنی" جمهوری اسلامی مثل جبهه ملی و حزب توده و اکثریت، و دکتر و مهندسهایی ملی مذهبی ورشکسته دوم خرداد، در ایجاد و یا سرپا نگه داشتن جمهوری اسلامی عیان است. رنگ عوض کردنهای تانکونی این تاریخ را پرده پوشی نمیکند. از اینها مهتر اینروزها معماران جهانی به قدرت رساندن جمهوری اسلامی و در

انجمن مارکس (کانادا) برگزار میکند

بازخوانی منصور حکمت
رشد و عروج حکمتیسم (مارکس معاصر)
جلسه دوم: کمونیسم کارگری،
جنبشی دیگر، فرهنگی دیگر

سخنران: ثریا شهابی

شنبه ۲۱ ژوئن ۲۰۰۳، ساعت ۷ تا ۱۱ بعدازظهر
۲۹۷۵ دانمیلز، اوریول کامیونیتی سنتر

Tel: 416 737 9500 marx_can1@yahoo.com

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org
www.m-hekmat.com
www.wpibriefing.com
www.jawanan.org
www.marxsociety.com
www.rowzane.com
www.azadizan.com
www.medusa2000.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org
www.iwsolidarity.com
www.kvwpiran.org
www.panjereh.org
www.kargaran.org

دستگیری نیروهای سازمان مجاهدین خلق در فرانسه محکوم است!

است. این اقدام یک تبانی آشکار با رژیم جانینان اسلامی آنهم در شرایطی است که مردم ایران در خیابانها در تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی هستند.

حزب کمونیست کارگری این اقدام دولت فرانسه را شدیداً محکوم میکند و خواهان آزادی فوری تمام دستگیر شدگان است. حزب از تمام نیروهای اپوزیسیون میخواهد که مستقل از دوری و نزدیکی خود با سازمان مجاهدین خلق این اقدام دولت فرانسه را شدیداً محکوم کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ ژوئن ۲۰۰۳

اتحادیه ای. گ. متال آلمان با سه میلیون عضو از کارگران چیت بهشهر حمایت کرد

ما خواهان این هستیم که کنوانسیون ۸۷ سازمان جهانی کار (در مورد آزادی تشکل) و کنوانسیون ۹۸ (پیرامون حق قرارداد دسته جمعی) که در کشورهای متعددی در سراسر جهان به رسمیت شناخته شده است، در ایران نیز به رسمیت شناخته شود.

تاکنون شمار زیادی از تشکلهای کارگری و مترقی از کمپین حزب کمونیست کارگری در دفاع از کارگران چیت بهشهر پشتیبانی کرده اند. خوشبختانه کارگرانی که در اعتصاب

غذا بسر میبردند به اعتصاب خود پایان داده اند و همه کارگران چیت سازی به همراه مردم بهشهر در روز شنبه و یکشنبه دست به راهپیمایی و تظاهرات برای خواستهای خود و علیه جمهوری اسلامی زدند. مبارزه کارگران ادامه دارد و حزب کمونیست کارگری کمپین جهانی حمایت از آنها را ادامه خواهد داد. حزب همچنین همه کارگران و مردم آزادیخواه بهشهر را به حمایت از کارگران چیت بهشهر فرامیخواند.

صبح امروز، سه شنبه ۱۷ ژوئن، پیش از ۱۲۰۰ تن از افراد پلیس "ضد تروریست" فرانسه در یک اقدام سراسری به ۱۳ محل اقامت رهبری و اعضای سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت در فرانسه هجوم برده و نزدیک به ۱۵۰ تن از آنان را دستگیر کردند. دولت فرانسه این اقدام را گامی در جهت مقابله با "تروریسم" اعلام کرده است. اما اگر دولت فرانسه مدعی مبارزه با تروریسم است باید در سفارتخانهها و لانههای جاسوسی رژیم اسلامی را ببندد. باید از حمایت و بند و بست با رژیم اسلامی دست بردارد. این اقدام دولت فرانسه تهاجمی آشکار به نیروهای اپوزیسیون رژیم اسلامی

هر نوع دخالتی از بالا سلب اراده مردم و تحمیل حکومت جریانات و شخصیتهای دست راستی ای خواهد بود که سراسر تاریخشان چیزی جز ضحیت با مردم و حقوق اولیه آنها نبوده است. اهداف و مسیری که جنبش اعتراضی مردم ایران تعقیب میکند، تماماً متفاوت و در صف مقابل چنین پروژه‌های است. تحقق آزادی، برابری، و تضمین حاکمیت مستقیم مردم، اهداف فوری جنبش اعتراضی توده وسیع مردم ایران است.

حزب کمونیست کارگری با حضور در صف مقدم جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی در عین حال رسالت منزوی کردن و به شکست کشاندن پروژه آمریکایی جابجایی قدرت در ایران را در همدستی با اپوزیسیون راست گوش به فرمان ارتجاع بین‌المللی به عهده دارد. در نبرد نهایی با جمهوری اسلامی با چشمانی باز ضروریست پروژه ارتجاعی را ناکام کرد.

ما از شما میخواهیم که سریعاً برای پایان دادن به این وضعیت غیر قابل تحمل اقدام کنید و ترتیبی دهید که دستمزدهای معوقه کارگران پرداخت شود. علاوه بر آن اعلام میکنیم که ای گ متال با نگرانی و دقت تمام اقدامات دولت جمهوری اسلامی در مقابل کارگرانی که برای دستیابی به حقوق اتحادیه ای خود تلاش میکنند را تعقیب میکند.

به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنید!

سالروز ۳۰ خرداد ۶۰ را با گرامیداشت جانباختگان و خواست محاکمه جانیان گرامی بداریم

اطلاعیه شماره ۳ مراسم سالگرد منصور حکمت

همانطور که در اطلاعیه های پیش باطلاح رساندیم مراسم سالگرد منصور حکمت در روزهای جمعه و شنبه چهارم و پنجم ژوئیه ۲۰۰۳ در لندن، انگلستان برگزار میشود. شرکت در این مراسم برای عموم آزاد است. در اینجا باطلاح دوستان و علاقمندان شرکت در این مراسم میرسانیم که:

آدرس گورستان های گیت:
Swains Lane X
London N6
ایستگاه مترو: Archway

مراسم روز شنبه ساعت ۱۲ آغاز میشود و تا ۹ شب ادامه دارد. محل مراسم روز شنبه بزودی از طریق سایت روزنه و نشریات حزب کمونیست کارگری باطلاح علاقمندان خواهد رسید.

لطفا توجه داشته باشید که ۱- ورود کودکان زیر ۱۶ سال به مراسم اکیدا ممنوع است. ۲- از آوردن دوربین عکاسی و فیلمبرداری و ضبط صوت به مراسم خودداری کنید.

خبرنگاران و گزارشگران رسانه های عمومی لطفا با تلفن و یا از طریق ای میل زیر با کمیته دوربین و ضبط صوت و دریافت کارت خبرنگاری تماس بگیرند. یکبار دیگر از کلیه علاقمندان شرکت در مراسم سالگرد منصور حکمت جدا تقاضا میشود که بمنظور تسهیل امور تدارکات و امنیت مراسم از طریق زیر شرکت خود را بما اطلاع دهند.

روز جمعه مراسم ساعت ۲ و نیم بعداز ظهر در گورستان های گیت برگزار میشود. علاقمندان در جمع هایی پای بنای یادبود و نیم پیکره منصور حکمت گل خواهند گذاشت. از علاقمندان شرکت در این مراسم تقاضا میشود که ساعت ۲ و نیم بعد از ظهر در مقابل درب ورودی گورستان های گیت حضور بهم رسانند.

لطفا توجه داشته باشید که ورود به گورستان های گیت مقرراتی دارد که همگی ملزم به رعایت آن هستند. این مقررات از طرف هیات مدیره گورستان های گیت تعیین شده و عدم رعایت آن باعث جلوگیری از ورود به گورستان خواهد شد. حمل دوربین عکاسی و فیلمبرداری، سیگار کشیدن و پوشیدن لباسهای رکاکی در درون گورستان ممنوع است. ضمنا باید توجه داشته باشید که مبلغ ۳ پوند و نیم بابت

لطف توجه داشته باشید که ورود به گورستان های گیت مقرراتی دارد که همگی ملزم به رعایت آن هستند. این مقررات از طرف هیات مدیره گورستان های گیت تعیین شده و عدم رعایت آن باعث جلوگیری از ورود به گورستان خواهد شد. حمل دوربین عکاسی و فیلمبرداری، سیگار کشیدن و پوشیدن لباسهای رکاکی در درون گورستان ممنوع است. ضمنا باید توجه داشته باشید که مبلغ ۳ پوند و نیم بابت

تلفن: ۰۲۰۳ ۷۸۱ ۴۴+

ای میل: salgardinfor@yahoo.co.uk

کمیته برگزار کننده
۱۹ ژوئن ۲۰۰۳

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری
را بخوانید

خشم و انزجار قرار داد. در سالروز کشتار ۳۰ خرداد ۶۰ باید با دسته های گل به سراغ خانواده های جان باختگان برویم. یاد عزیزانشان را که برای همه مردم عزیزند، در تجمعاتی هرچه بزرگتر به نحوی شایسته گرامی بداریم. بر گورهایشان اجتماع کنیم و آنها را با گل بیوشانیم. و به هر شکل میتوانیم خشم و نفرتمان از قتل عام کنندگان خرداد ۶۰ را ابراز کنیم. جمهوری اسلامی باید سرنگون شود و سرنگون خواهد شد. با گرامیداشت قربانیان این رژیم و با خواست محاکمه سران جنایتکار رژیم، این روز را نزدیک تر کنیم!

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ خرداد ۱۳۸۲
۱۶ ژوئن ۲۰۰۳

ماشین جنایت و خرافه و فقر و ادبار، و دستگیری و محاکمه سران جمهوری اسلامی بجرم اعدام بیش از صد هزار انسان را باید هدف فوری خود قرار دهیم. این دستگاه باید به زیاله دان پرتاب شود. این دوره تاریک باید تمام شود. هیچ تخفیفی نباید داد. هیچ سازشی را نباید پذیرفت. جمهوری اسلامی با تمام قوانین و ارزشها و سنتها و دستگاههای سرکوش باید برچیده شود. و این جز با انقلاب و قیام مردم ممکن نیست.

خرداد ۶۰ را باید در اذهان زنده نگاهداشت. بویژه در این روزهای شور و مبارزه باید به همه یادآوری کرد. باید جان باختگانش را گرامی داشت. باید داغیدگانش را عزیز داشت. باید زخم خوردگانش را تسلی داد. و باید جانباختن را در حلقه غیر قابل عبور نفرت و

۳۰ خرداد ۶۰ روزی فراموش نشدنی است. روز آغاز یک دوره تاریخی است. حکومتی که امروز در حلقه اعتراض و خشم ماست از آن روز با کشتار فوج و سیستماتیک و بیرحمانه فرزندان مردم خود را بر این جامعه حاکم کرد. کمونیستها و فعالین کارگری، مخالفین و زندانیان عقیدتی با بیرحمی غیر قابل تصویری توسط جانیان به قدرت رسیده قتل عام شدند. این روز را گرامی میداریم با عزمی راسخ برای به گور سپردن این دستگاه قرون وسطایی ای که تمام ارزشهای انسانی را در جامعه ایران پایمال کرد. اینان برای نجات نظم سرمایه داری آمدند. و برای حفظ و ادامه حکومتشان به هیچ کس و هیچ چیز رحم نکردند. براه اناناختن موج انتقام از جانیان اسلامی کار ما نیست و نباید باشد. اما درهم کوبیدن این

مردم !

این شعار ما نیست، این شعار را ندهید!

زنان و مردان مبارز و آزادیخواه!

در بعضی از تظاهراتهای شهرهای مختلف و از جمله تهران، بعضی از تظاهرکنندگان برای جلب حمایت مردم شعار داده اند که: "زنها به ما پیوستند، بی غیرتانشستن!"

این شعار جنبش آزادیخواهانه مردم ایران را نمایندگی نمیکند. این شعار جنبش علیه جمهوری اسلامی، علیه عقب ماندگی های مذهبی، و جنبش علیه ارتجاع مذهبی حاکم را بیان نمیکند. این شعار ضد خصلت جنبشی است که شکل گرفته است و هر روز نیرومند تر و گسترده تر میشود. این شعار ما انسانهای آزادیخواه و برابری طلبی که این چنین قهرمانانه اختناق و سرکوب و جهل و نابرابری را هدف گرفته ایم، نیست. این شعار ما نیست. نه تنها خصلت جنبش اعتراضی جاری با چنین شعاری خوانائی ندارد، بلکه واقعیت مبارزات این روزهای تاریخی اخیر بر حکم دیگری دلالت دارد. زنان نه تنها فعالانه در مبارزات اخیر شرکت کرده اند، بلکه عموما در جلوی صف این مبارزات قرار گرفته و پیشتاز بوده اند. جنبش مردم ایران

در دور اخیر با بدور انداختن حجاب و سوزاندن حجاب مشخص میشود. این یک واقعه مهم تاریخی است. زنان با رشادت و شهامت بی نظیری این پرچم سرکوب اسلامی را به آتش میکشند. این خصلت برجسته جنبش اعتراضی مردم است. شعارهای ما باید این خصلت آزادیخواهانه، مدرن و پیشرو را منعکس کند.

این خیزش مردم کرمانشاه است که مرگ بر رژیم را به خاطر زن ستیز بودنش فریاد میکنند، خیزش مردم فردیس کرج است، امیرآباد تهران است که حجاب را به آتش میکشند، خیزش همبستگی و اتحاد آزادیخواهانه است. خیزش برچیدن بساط آپارتاید جنسی و تبعیض جنسی است.

این شعار، فقط احساسات عقب مانده و ضد زن را تحریک میکند. بر مبنای ضدیت با زن، هیچ کسی نباید تحریک و تهییج شود. بر عکس، این خیزشی است علیه ستم بر زن!

زنان انسانهای درجه دوم و ضعیفی نیستند که از مردان پیروی کنند و یا به آنها پیوندند. این جنبش همانقدر به مردان آزادیخواه تعلق دارد که به زنان. انسانهای

آزادیخواه در ایران، صرفنظر از جنسیت، نژاد، و ملیت گردانندگان و راه بردگان این جنبش آزادیخواهانه اند. درود بر شما!

جنبش عظیم و تاریخساز که شکل گرفته است میتواند و باید زن ستیزی را از صفحه جامعه پاک کند، میتواند و باید با مردسالاری تسویه حساب کند، میتواند و باید پرچم آزادی و برابری را در جامعه به اهتزاز درآورد. این خصلت اصلی و نیروی بالقوه جنبشی است که جهانیان درباره آن سخن میگویند. ما، سازمان آزادی زن، از شما انسانهای آزادیخواه و مبارزی که هر روز حماسه ای جدید از مقاومت میافرینید، میخواهیم که چنین شعارهای عقب مانده، اسلامی و ارتجاعی را از صفوف خود طرد کنید. زنان و مردان آزادیخواه نباید اجازه دهند که چنین شعارهایی بر خواستها و خصلت این جنبش عظیم و پیشتاز سایه بیاندازد و بر آن رنگ عقب مانده و سنتی بزنند.

زنده باد آزادی و برابری
سازمان آزادی زن
۲۹ خرداد ۱۳۸۲
۱۹ ژوئن ۲۰۰۳

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!